



A Qualitative Study of Young Girls' Views on the Criteria for Choosing a Spouse based on the Qur'anic Model of Sahmgozari

Elahe Pakseresht¹, Kowsar Dehdast²

1. (Corresponding Author) Master of Family Counseling, Department of Counseling, Refah University, Tehran, Iran. elahekp2@gmail.com
2. Ph.D Counseling, Assistant Professor. Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. dehdast92@gmail.com

ABSTRACT

Received: 04/12/2023 - Accepted: 27/02/2025

Aim: In response to the growing need for contextualized criteria for spouse selection in Iranian society, this study explores the lived experiences of young women regarding such criteria, based on the Sahmgozari (participatory contribution) approach rooted in Islamic ontology. **Methods:** Using a phenomenological approach, purposeful sampling was conducted with 16 married young women who exhibited key indicators of the Sahmgozari lifestyle—such as feelings of tranquility and personal development, agency, and formative relationships. Semi-structured interviews were carried out and continued until theoretical saturation was reached. Data were then coded and analyzed. **Findings:** The analysis yielded three main pre-marital criteria for achieving the “desired self as a contributor in marital life.” The first criterion was *development-oriented and tranquility-promoting attitudes in spouses*; the second was *awareness and preparedness regarding factors of similarity and difference*; and the third was *awareness of personal growth and maturity trajectories*. **Conclusion:** Spouse selection criteria based on the Sahmgozari approach can broaden young women’s perspectives on marriage and support them in making rational and meaningful choices.

Keywords: qualitative study, young women, spouse selection criteria, Quranic Sahmgozari model



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۹۴، بهار ۱۴۰۴
مقاله پژوهشی

e-issn:4018-2717

p-issn:400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v24i93.19069

مطالعه کیفی دیدگاه دختران جوان از معیارهای انتخاب همسر مبتنی بر رویکرد قرآنی سهم گذاری

الهه پاک سرشت^۱، کوثر ده دست^۲

۱. (نویسنده مسئول)، کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکده رفاه، تهران، ایران. elahekp2@gmail.com

۲. دکتری مشاوره، استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. dehdast92@gmail.com

(صفحات ۶۴-۸۹)

چکیده

اهداف: با توجه به لزوم تبیین معیارهای انتخاب همسر با در نظر گرفتن نیاز روز جامعه ایرانی، این پژوهش به مطالعه تجربه زیسته دختران جوان از معیارهای انتخاب همسر مبتنی بر رویکرد سهم گذاری برخاسته از هستی شناسی اسلامی پرداخته است.

روش: با روش پدیدارشناسی در فرایند نمونه گیری با ۱۶ نفر از دختران جوان متأهلی که شاخص های سبک زندگی سهم گذارانه شامل احساس آرامش دهندگی و رشد دهندگی، عاملیت، روابط تکوین بخش و... در زندگی آن ها وجود داشت، با روش هدفمند، مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. مصاحبه ها تا اشباع نظری ادامه یافت و کدگذاری صورت گرفت.

یافته ها: سه معیار اصلی انتخاب همسر، قبل از ازدواج، برای رسیدن به «من مطلوب سهم گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج» بدست آمد. معیار اول «شاخص های نگرشی توسعه بخش و آرامش زا در زوج ها»، معیار دوم «آگاهی و آمادگی پیرامون شاخص های شباهت زا و تفاوت زا» و معیار سوم «آگاهی از مسیرهای رشد و بلوغ شخصی» احصا شد.

نتیجه گیری: معیارهای انتخاب همسر مبتنی بر رویکرد سهم گذاری می تواند افق فکری دختران را درباره ازدواج گسترش دهد و به انتخاب عاقلانه همسر کمک کند.

واژه های کلیدی: مطالعه کیفی، دختران جوان، معیارهای انتخاب همسر، رویکرد قرآنی سهم گذاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

مقدمه

ازدواج با معیارهای صحیح بسیاری از نعمات الهی را نصیب انسان و جامعه می‌گرداند و استعدادهای بسیاری را شکوفا می‌سازد. پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «هیچ بنایی در اسلام بنیان‌گذاری نشده که نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج باشد» (امینی، ۱۳۹۰: ۲۱). این امر مستلزم رفتاری مصمم و متمرکز توسط یک فرد و گاهی خانواده‌ها برای جفت کردن افرادی است که برای یکدیگر مناسب می‌دانند (آمواسی و الحسن^۱، ۲۰۲۲). قبل از ازدواج قدرت و اختیار در تصمیم‌گیری بسیار است و امکان بیشتری جهت دوری از تشکیل ساختارهای مشکل‌زا وجود دارد؛ اما بسیاری از زوج‌ها بعد از ازدواج و در مرحله آشکار شدن تفاوت‌ها، دچار تعارض می‌شوند (رضوی، جزایری، احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). بیشتر جوانان با خواستگار مورد نظر خود اختلاف دارند؛ اما توافقات پیش از ازدواج را دلیل بر کفویت می‌پندارند، غافل از اینکه زندگی مشترک فضایی است که اختلافات اخلاقی و روحی نمایان می‌شود. اینطوری نیست که همه اختلاف‌ها پس از آغاز زندگی به وجود آمده باشد بلکه نقش ازدواج تنها نشان‌دهنده اختلاف‌ها بوده و نه ایجاد آن (عباسی‌ولدی، ۱۳۹۹: ۲۳). مدرن شدن ازدواج‌ها و فردگرایی همراه با آن، مهم‌ترین بخش زندگی هر فرد را به تسخیر خود درآورده است (صادقی‌فسایی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۵) و به واسطه تحولات گسترده در زمینه سبک زندگی، ارزش‌ها، عادات و شیوه‌های تفکر و معناهای ذهنی، معیارهای انتخاب همسر هم دستخوش تغییر شده‌اند (دهدست و قبادی، ۱۳۹۹).

یافته‌های پژوهش پراکاش و سینگ^۲ (۲۰۱۴) به وضوح نشان داد، دیدگاه‌های مدرن فرآیند انتخاب همسر را هدایت می‌کنند. افراد برای شریک مورد نظر خود، همان ویژگی‌هایی را بیان می‌کردند که برای خود در آینده متصور شده بودند. شکریگی،

1. & Alhassan,
2. Prakash & Singh

احمدی و ابراهیمی منش (۱۳۹۵) دریافتند پندارهای پیش از ازدواج از همسر آینده و ماهیت زندگی زناشویی با شرایطی که بعدها در زندگی واقعی تجربه کرده‌اند، بسیار متفاوت بوده است. این افراد اغلب واقعیت را فدای آرزوهای شان می‌کنند و به جای پذیرش ویژگی‌های واقعی طرف مقابل، از طریق فیلترهای خوشایند مبتنی بر ایده‌آل‌های شان به مقوله انتخاب همسر می‌نگرند (رضوی، فاتحی‌زاده، اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۹). گونسوی و اردم^۱ (۲۰۲۳) اهمیت تایید والدین و استانداردهای ایده‌آل در تصمیمات ازدواج در میان بزرگسالان نوظهور سکولار را تایید کرد. اندورف^۲ (۲۰۱۷) دریافت افراد با طرحواره توسعه ایده‌آلیسم^۳، به احتمال بیشتری بر اساس عشق همسر انتخاب می‌کنند. همچنین بر اساس نظریه تکاملی در انتخاب همسر، اغلب زنان تمایل دارند جفتی با موقعیت اجتماعی و تحصیلات بالاتر انتخاب کنند. مردان نیز بیشتر به جذابیت‌های ظاهری و جوانی زنان توجه دارند (برچکی و ساناکي^۴، ۱۹۹۶؛ باس و اسمیت^۵، ۲۰۱۹؛ کونروی - بام و باس^۶، ۲۰۱۹؛ پروس^۷، ۱۹۹۴؛ ولنتین، لی، ملتزر، و تسای^۸، ۲۰۲۰). به علاوه پژوهش فیدر و هویر^۹ (۲۰۲۳) نشان داد در سال‌های اخیر فشار انتخاب همسر در مردان از طریق درآمد بالا اعمال می‌شود و جعفریان و لبافی (۱۳۹۷) دریافتند معیارهای دینی و اخلاقی در امر انتخاب همسر به عنوان اولویت دست چندم بعد از اولویت‌های مادی قرار گرفته‌اند.

پژوهش میراحمدی و همکاران (۱۳۹۶) معیارهای انتخاب همسر در اسلام را در قالب چهار دسته ملاک‌های اخلاقی، دینی و خصوصیات روان‌شناختی، جسمانی -

1. Guvensoy & Erdem,
2. Allendorf
3. Developmental Idealism (ID)
4. Bereczkei, & Csanaky
5. Buss, & Schmitt
6. Conroy-Beam, & Buss
7. Perusse
8. Valentine, Li, Meltzer & Tsai
9. Fieder & Huber,

رفتاری و خانوادگی مورد توجه قرار داده‌اند. بیجاری و همکاران (۱۳۹۸) ملاک‌های انتخاب همسر از دید افراد راضی از ازدواج را در سه مقوله اصلی ویژگی‌های فردی، رابطه و خانوادگی تقسیم کردند. همچنین در اثر تجربه ازدواج، کم‌اهمیت شدن زیبایی ظاهری و برجسته شدن ویژگی‌های شخصیتی، تعدیل نگرش درباره وضعیت اقتصادی، کاهش اهمیت ملاک شباهت در ویژگی‌های شخصیتی، افزایش اهمیت ملاک خانواده و تغییر نگرش به لزوم وجود عشق قبل از ازدواج رخ داد.

بنابراین، نتایج تحقیقات ذکر شده و همچنین نظریاتی که فقط به شباهت‌های همسران پرداخته‌اند، نشان‌دهنده آن است که این معیارها و تبیین‌ها بیش از حد ساده‌انگارانه بوده و هر چه پارادایم‌ها پیچیده‌تر می‌شوند، مخصوصاً در حوزه بررسی شخصیت زوج در پیش از ازدواج، نتایج گیج‌کننده‌تر و غیرقطعی‌تر می‌شود (اپشتاین و گاتمن^۱، ۱۹۸۴). از آنجا که ازدواج و تشکیل خانواده ضرورت دارد، دقت در انتخاب همسر و پیشگیری از مشکلات آینده نیز امری ضروری است، زیرا با اینکه ازدواج عملی ارادی و مبتنی بر علایق دو طرف است و اساس تاریخی در همه ادیان آسمانی دارد؛ اما شاخص‌های انتخاب، نحوه ازدواج، دوام، کیفیت و در ادامه رضایت از آن با نگرش‌های فلسفی حاکم بر جامعه و تغییرات جوامع ارتباطی نزدیک دارد (ایمان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). لذا با توجه به اینکه قوانین و فرهنگ جامعه ما منبعث از دین اسلام است، چنانچه زندگی مردم مبتنی بر این فرهنگ نباشد با چالش روبرو می‌شود. بنابراین ارائه معیارهای انتخاب همسر بر اساس هستی‌شناسی اسلامی و فرهنگ بومی ضروری است. از طرفی چون جامعه روز به روز در حال تغییر و تحول است، لازم است معیارها و شاخص‌های انتخاب همسر به‌گونه‌ای احصا، تبیین و گفتمان‌سازی شوند که پاسخگوی نیاز حال حاضر جامعه ایرانی باشد. پژوهش‌هایی که به صورت مستقیم به معیارهای انتخاب همسر پرداخته باشند، بسیار اندک بوده و با رویکردهایی مبتنی بر

1. Epstein, & Guttman,

هستی‌شناسی دینی و با در نظر گرفتن فرهنگ بومی تدوین نشده‌اند که پرداختن به آن ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از رویکردهای پرورشی - مشاوره‌ای که در حل مسائل درون شخصی و بین شخصی مبتنی بر مبانی و اصول و طرح کلی پارادایم توحیدی درباره انسان مطرح شده، رویکرد سهم‌گذاری (اسمعیلی ۱۳۹۳) است. در این رویکرد انسان و فرایندهای درونی و کنشی آن بر اساس پنج مبنای هستی‌شناسانه، مخلوقیت (از جمله انسان سهم‌گذار)، آفرینش احسن، پیوستگی و وسعت هستی، هدفمندی آفرینش و زوجیت، تبیین می‌شود و در پی آن است تا با خودآگاه ساختن فرد نسبت به فرایندهای درونی و ارتباطات محیطی، پیوستگی به جهان هستی و تمرکز بر نقش اختیارمند خود در حرکت هماهنگ با نظام احسن و برقراری رابطه مؤثر و سازنده با جهان در حال گسترده شدن، به سبکی از زندگی هدایت نماید که فرد خود را از زندان ناتوانی نسبت به گذشته، تأثیرات محیطی، محدودیت‌های موقعیتی و سهم‌گیری‌های مزاحم و محدودکننده رها ساخته و در جهت پویایی و توسعه توانمندی‌های بی‌شمار خود در جهت خودمدیریتی، خودتنظیمی، خود اصلاحی سهم‌گذارانه در زندگی شخصی و زوجی حرکت نماید (اسمعیلی، دهدست و قبادی، ۱۴۰۰).

زیرا هر آنچه در هستی است دارای معیار، بافت، زمان و مکان است و اصل و فرع مشخصی دارد. زن و مرد سهم‌گذار نیز در انتخاب همسر، معیار روشن و دقیقی دارد، و مسیر زندگی را با شناخت صحیح و مبتنی بر عقلانیت و خلاقیت، طی می‌کنند و ضمن پیروی از حق، در زندگی‌شان انعطاف داشته و هر کس برای دستیابی به رشد و توسعه و آرامش خود در زندگی به ادای سهم خویش در برابر خود و جهان خود که هرگز از او جدا نیست و بدون آن قابل تعریف و تعیین نیست، می‌پردازد. در این حالت، هرگونه جداسازی خود و غیر خود، عقلانیت و خلاقیت از یکدیگر و یا تمرکز افراطی بر هر کدام در مسیر درک انتخاب احسن برای سهم‌گذاری، انسان را دچار آسیب و خسران می‌کند،

زیرا در عقلانیت صرف، انسان همه چیز را تحت کنترل مطلق خود می‌داند و در خلاقیت صرف، هر چیزی در این عالم برای او قابل خلق کردن است. در مقابل داشتن ترکیب واقعی و منطقی از این دو به گونه‌ای که خلاقیت انسان در متن‌های عقلانیت محدود شود و عقلانیت به واسطه بال‌های خلاقیت، در انسان توسعه ایجاد کند، می‌تواند کمک‌کننده به رشد و آرامش انسانی باشد و سبک زندگی صحیح او را ایجاد کند (اسمعیلی، شاداب مهر و دهدست، ۱۴۰۲). علاوه بر این، اسمعیلی (۱۳۹۳) به درک بافت پرورش سهم‌گذار اشاره می‌کند. در واقع جوانان در آستانه ازدواج برای انتخاب همسر باید به خصایص والدین و اصالت خانواده فرد توجه داشته باشند؛ زیرا این خصایص نسل به نسل منتقل می‌شود.

این امر در فرایند انتخاب همسر برای شروع زندگی مشترک سهم‌گذارانه، از طریق شاخص‌ها و معیارهایی می‌تواند محقق شود که زن و شوهر بدون توجه به وابستگی عملکردهایشان به دیگران یا عوامل محیطی، تصمیم بگیرند در این موقعیت و شرایط، انتخاب احسن آن‌ها مستلزم چیست و آن‌ها با تمرکز بر نقش و سهم خودشان، نیاز است چه شاخص‌هایی را مدنظر قرار دهند؟ بنابراین هدف از تحقیق حاضر این است که مشخص کنیم دیدگاه دختران جوان از معیارهای انتخاب همسر مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری چیست؟

روش‌شناسی

پژوهش حاضر تحقیقی کاربردی با زمینه فرهنگی است و داده‌های عمیق و دقیق بومی دارد. روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی است؛ زیرا ظرفیت‌های رویکرد کیفی تسهیلگر پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق حاضر بود. بر همین اساس به منظور درک معیارهای انتخاب همسر مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری، از میان دختران متأهل جوان در دسترس و به صورت هدفمند که واجد شرایط ورود به مطالعه بودند، با ۱۶ نفر مصاحبه صورت گرفت. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از: (۱) حداکثر ده سال

زندگی مشترک، ۲) نداشتن تجربه تعارضات شدید و طلاق، ۳) ازدواج کنونی شان اولین ازدواج بود، ۴) داشتن احساس رشد‌دهندگی و آرامش بخشی و روابط تکوین بخش که شرط اصلی کارکرد ازدواج مطلوب در سهم‌گذاری است که بر اساس ارزیابی کیفی مصاحبه‌گر مبتنی بر شاخص‌های سهم‌گذاری سنجیده شد. این ارزیابی با استفاده از سؤالاتی همچون «آیا در حال حاضر در زندگی خود احساس آرامش می‌کنید؟»، «آیا در حال حاضر در زندگی خود احساس رشد‌دهندگی دارید؟»، «روابط با همسران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟» و ... انجام شد.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد. در این روش مشارکت‌کنندگانی که حداکثر دستیابی به پاسخ سؤالات را ممکن می‌ساختند، انتخاب شدند. همچنین، به صورت هم‌زمان از روش گلوله‌برفی نیز استفاده شد تا دسترسی به افراد مشابه، ممکن شود. ابتدا با پرس‌وجوهای میدانی برای شناسایی افراد واجد شرایط ورود به مصاحبه، سرند اولیه آغاز شد و در هر مصاحبه از مشارکت‌کنندگان درخواست شد که اگر کسی مشابه شرایط خود را می‌شناسند به پژوهشگر معرفی نمایند. از لحاظ تجربی اطمینان حاصل شد که داده‌های مشابه بارها مورد بررسی قرار گرفته است و تا زمانی که مفاهیم جدیدی آشکار نمی‌شد و داده‌ها شروع به تکرار شدن می‌کرد، مصاحبه ادامه یافت. مدت مصاحبه به طور متوسط ۳۰ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها با استفاده از سؤالات از پیش تعیین شده مانند «هدف از ازدواج چه بود؟ چه انتظاراتی داشتید؟ چگونه آمادگی کسب کردید؟ معیارهای انتخاب همسران چه بود؟ چگونه به توافق رسیدید؟ عوامل کمک‌کننده به شکل‌گیری آرامش‌دهندگی و رشد‌دهندگی در زندگی مشترک‌تان چیست؟ و ...» انجام شد. همچنین در طول مصاحبه در مواقع لازم، از سؤالات کاوش‌گرانه جهت دستیابی به جزئیات و اطلاعات بیشتر استفاده شد. جهت تحلیل داده‌ها از راه تحلیل مضمون به روش کلایزی، استفاده شده است. به این صورت که در مرحله نخست، ابتدا متن مصاحبه ضبط شده به صورت سیستمی درآمد. سپس

متن هر مصاحبه بارها مطالعه شده تا به نظر مشارکت کننده درباره موضوع مورد پژوهش تمرکز پیدا شود. در مرحله بعد، همه عبارات کلیدی و مفهومی، ستاره دار شد. در مرحله سوم، سعی شد از عبارات مهم هر مصاحبه، مضامین فرعی که مشخص کننده مفهوم اصلی ادراک مشارکت کننده است، استخراج شود. در مرحله بعد، سعی شد تا بر اساس موارد و جنبه های یکسان مفاهیم، دسته های موضوعی در قالب مضامین اصلی تعیین گردد. سپس این مراحل برای مصاحبه ها ادامه پیدا کرد. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع در فرم مضامین هسته ای، به جهت یکپارچه سازی داده ها به دست آمد. در مرحله ششم، توصیف جامعی از معیارهای انتخاب همسر مبتنی بر سهم گذاری مشخص شد. در مرحله هفتم و نهایی مفاهیم منتخب برای مشارکت کننده فرستاده شد و از صحت برداشت ها اطمینان حاصل شد.

اطلاعات جمعیت شناختی

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان مشخص شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	سن ازدواج	مدت آشنایی	اختلاف سنی با همسر	سال های زندگی مشترک
۱	۲۳	لیسانس	خانه دار	۲۳	۱ ماه	هم سن	عقد
۲	۲۳	حوزوی	خانه دار	۱۶	۶ ماه	۵	۶
۳	۳۱	کارشناسی ارشد	خانه دار	۲۱	۸ ماه	۵	۱۰
۴	۲۰	دیپلم	خانه دار	۱۴	۴ روز	۶	۶
۵	۲۴	کارشناسی ارشد	معلم	۲۲	۸ ماه	۲	۱٫۵
۶	۲۶	کارشناسی	خانه دار	۲۱	۳ ماه	۸	۳
۷	۲۳	لیسانس	خانه دار	۱۹	۹ ماه	۶	۴
۸	۲۳	کارشناسی ارشد	خانه دار	۱۹	۷ ماه	۳	۳
۹	۲۴	کارشناسی ارشد	معلم	۲۲	۵ ماه	۵	۲
۱۰	۲۴	کارشناسی ارشد	خانه دار	۲۱	۲ ماه	۸	۲

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	سن ازدواج	مدت آشنایی	اختلاف سنی با همسر	سال‌های زندگی مشترک
۱۱	۲۸	کارشناسی	خانه‌دار	۱۹	۲ ماه	۹	۸
۱۲	۲۳	کارشناسی	خانه‌دار	۱۹	۷ روز	۳	۵
۱۳	۲۵	لیسانس	خانه‌دار	۱۹	۳ ماه	۲	۶
۱۴	۲۴	کارشناسی	خانه‌دار	۲۱	۱ ماه	۴	۱
۱۵	۳۱	کارشناسی	معلم	۲۱	۱ ماه	۵	۹
۱۶	۲۴	کارشناسی	معلم	۲۱	۶ ماه	۴	۳

یافته‌ها

در فرایند مصاحبه با ۱۶ نفر از دختران جوان متأهلی که در پژوهش شرکت داشتند، معیارها و شاخص‌های انتخاب همسر در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. کدهای تبیین‌کننده معیارهای انتخاب همسر بر اساس دیدگاه دختران جوان مبتنی بر سهم‌گذاری

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مضامین هسته‌ای
نگرش هدفمندی	نگرش عاملیت و اراده‌مندی تغییر	آگاهی از «شاخص‌های
نگرش احترام‌مندی	نگرش مسئولیت‌مندی	نگرشی وسعت بخشانه و
نگرش درک نظارت خداوند بر امور	نگرش ما بودن در زندگی زوجی	آرامش‌زا در طرف مقابل»
نگرش رشد و بهتر شدن در زندگی	نگرش تشخیص اصل و فرع زندگی در بافت	اولین معیار انتخاب همسر
نگرش بازگشت اثر عمل به فرد و کار برای خود	نگرش انتخاب بهترین عمل در زمینه	در جهت رسیدن به من
اشتراک معنایی نسبت به ماهیت جنس مخالف	اشتراک معنایی نسبت به توزیع پول و سرمایه زندگی	مطلوب سهم‌گذار در
اشتراک معنا و باورهای مذهبی	اشتراک معنایی نسبت به توزیع قدرت در رابطه	زندگی زوجی بعد از ازدواج
اشتراک معنایی نسبت به باید و نبایدهای اخلاقی	اشتراک معنایی نسبت به چستی زندگی و جهان‌بینی	شاخص‌های
		اشتراک معنایی
		دختر و پسر و مرد با
		همدیگر

مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضامین هسته‌ای
تفاوت‌های تراز اقتصادی دختر و پسر	شاخص‌های	دومین معیار انتخاب
تفاوت سطح تحصیلات دختر و پسر	چالش برانگیز وجود	همسر برای رسیدن به من
تفاوت‌های زبانی دختر و پسر	تفاوت‌های دختر و	مطلوب سهم گذار در
تفاوت عقاید سیاسی دختر و پسر	پسر با همدیگر	زندگی زوجی بعد از ازدواج
تفاوت‌های آداب و رسوم دختر و پسر		
تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی بین خانواده‌های دختر و پسر		
تمایز یافتگی فکری در بستر انعطاف	شاخص‌های رشد و	
واقعیت‌سنجی به جای تکیه بر ذهنیات	بلوغ شناختی	
انطباق فرهنگی از طریق شناخت فرهنگ‌ها		
قدرت درک دنیای درون طرف مقابل		
درک لزوم ملازمت و همراهی	شاخص‌های رشد و	"آگاهی از شاخص‌های
درک لزوم ایجاد همسویی با یکدیگر	بلوغ ارتباطی	رشد و بلوغ شخصی در
توانمندی تصمیم‌گیری مشترک		طرف مقابل"
توانمندی حل تعارضات بین شخصی		سومین معیار انتخاب
توانمندی توجه کردن		همسر در جهت رسیدن
توانمندی مشورت گرفتن		به من مطلوب سهم گذار
		در زندگی زوجی بعد از ازدواج
درک لزوم مدیریت خشم خود و همسر		
متعهد بودن به همسر		
درک لزوم ایجاد اعتماد پایدار		
درک لزوم ایجاد صمیمیت پایدار	شاخص‌های رشد و	
درک لزوم مراقبت و دلسوزی متقابل	بلوغ عاطفی	
درک لزوم کمک کردن و همکاری در نقش‌های زوجی		
درک لزوم تشکر کردن و قدردان بودن		
درک لزوم صبور بودن و گذشت کردن		
درک لزوم پذیرفتن خطا و عذرخواهی کردن		

مطابق جدول ۲، شاخص‌ها و سیر رشدی مسیر انتخاب و شکل‌گیری زندگی زوجی پیش از ازدواج در یک مدل با عوامل زمینه‌ساز منِ مطلوب سهم‌گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج مرتبط شده‌اند. در ادامه به شرح مختصری از این مؤلفه‌ها پرداخته شده است.

♦ اولین معیار انتخاب همسر برای رسیدن به منِ مطلوب سهم‌گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج: «آگاهی از شاخص‌های نگرشی وسعت بخشانه و آرامش‌زا در خود و طرف مقابل»

آگاهی از این شاخص‌ها به معنای درک و پذیرش اصول و مبانی است که به رشد فردی و ایجاد آرامش درونی کمک می‌کنند. با آگاهی و پرورش این نگرش‌های توسعه‌بخش و آرامش‌زا، افراد می‌توانند با آمادگی بیشتری وارد زندگی مشترک شوند. در این شاخص، مشخص بودن اهداف و همسو بودن آن با یکدیگر، قائل بودن به اثربخشی تغییر خود در زندگی مشترک، احترام گذاشتن طبق نگاه آفریده خدا بودن همه موجودات، آگاهی از زمینه‌های ایجاد چالش‌ها جهت پیشگیری از ورود به ساختارهای آسیب‌زا و مدیریت بهتر آن، قائل بودن انجام امر ازدواج به دست خداوند و اطمینان به تقدیرات الهی، نگاه به منظومه زن و شوهری تحت عنوان «ما بودن» و پرهیز از خودخواهی‌ها، داشتن امیدواری نسبت به تلاش‌ها در زندگی و ثمربخش دانستن همه تلاش، تأکید بر اولویت قرار دادن مسائل مهم و تشخیص درست اصل از فرع زندگی و قابل حل دانستن مسائل زندگی، توجه به بافت و شرایط خود در معیارهای اصلی و فرعی انتخاب همسر، داشتن نگاه بازگشت اثر اعمال به خود و انجام کار برای خود، داشتن نگاه رشددهنده بودن ازدواج همراه با اولویت‌بخشی به آرامش‌دهندگی زوج‌ها، اتخاذ بهترین عمل در شرایط مختلف و خود را مسئول دانستن در ازدواج به گونه‌ای که طبق قواعد الهی پاسخگو اعمال خود در قبال انجام مسئولیتی که خدا بر دوش گذاشته هستیم، احصا شد.

مشارکت‌کننده ۵ درباره نگاه هدفمندی می‌گوید: «من چه هدفی رو دنبال می‌کنم؟ این خیلی مهم بودش. دربارهش فکر می‌کردم و کلاس‌های مختلف می‌رفتم. چیزی که خیلی دغدغه ذهنی من بود، این بود که اون آدمی که مقابل من میشینه، حتما هدف داشته باشه تو زندگیش و باری به هر جهت نباشه. من تو چه زندگی ای وارد بشم که خود فرد هم نمی‌دونه که باید کجا بره توی زندگی».

مشارکت‌کننده ۱۱: «اگه واقعا درخواست و توقعت از زندگی کردن با طرف مقابل آرامش باشه، همین رفتارت رو به سمتی سوق میده که زندگی آرومی داشته باشی».

مشارکت‌کننده ۴: «هم من و هم همسرم به خانواده‌های همدیگه احترام میداشتیم حتی در صورت دلخوری از اون‌ها».

مشارکت‌کننده ۵: «اصن من نیستم که میرم تو زندگی، خدا هستش که مقرر کرده. وقتی دید این باشه، هر چقدر تلخی و شیرینی پیش بیاد برای آدم، شیرینه. چون خدا اون رو گذاشته، خدا صلاح دیده».

مشارکت‌کننده ۷: «تو باید به یه درجه‌ای برسی که اون از خودگذشتگی که هست یعنی میگن که تا قبل از ازدواج منی و بعد از ازدواج میشی ما. اینکه فکر کنی همش باید حرف حرف تو باشه، اینطوری اصلا زندگی پیش نمیره».

مشارکت‌کننده ۱۳: «نتیجه برات مهم نباشه. ببین هدفت از زندگی چیه. یعنی داری تمام تلاشت رو می‌کنی تا به اون هدفه برسی؛ شاید نتیجه بد بشه شاید خوب. در هر صورت نباید خودتو ببازی».

مشارکت‌کننده ۱۱: «سخت‌گیری باید روی مسائل پایه‌ای و اصولی باشه و خیلی به موارد فرعی و چیزایی که عامل خوشبختی نیست تاکید نداشتم».

مشارکت‌کننده ۲: «همیشه فکر می‌کردم باید روی پای خودم بایستم، به خاطر همین انتظاری از همسرم نداشتم و همش انتظار از خودم داشتم. وقتی از طرف مقابل انتظار نداشتم باشی، یکاری هم که برات انجام بده، خوشحال میشی ولی وقتی انتظار داری، هر

کاری هم بکنه تو بیشترش رو انتظار داری».

مشارکت‌کننده ۸: «اگه کسی باشه که همراهم باشه، مورد مناسبی برای من باشه و بتونم کنارش پیشرفت کنم، زندگی خوبی رو بسازیم. به آینده فکر می‌کردم که در کنار همسرم چقدر می‌تونیم رشد کنیم و اتفاقات خوبی بیوفته».

مشارکت‌کننده ۱۱: «انتظارم آرامش بود که محقق شد. منظور از آرامش، یه آرامش نسبی هستش. آرامشی که باید تو زندگیا باشه که بشه اون زندگی رو ادامه داد وگرنه تو زندگی همه یه سری اختلاف نظرهای ریزی هست که بالاخره باید با اونا کنار اومد».

مشارکت‌کننده ۵: «مهم‌تر از همه، دید انسانه که از همه چیز مهم‌تره که ما عامل هستیم، مامور هستیم ووظیفه‌ای که برگردنمون هست رو انجام بدیم. یعنی اگه خودمون رو مسئول ندونیم دچار وسواس میشیم و خیلی به آدم سخت میگذره».

♦ دومین معیار انتخاب همسر برای رسیدن به من مطلوب سهم گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج: «آگاهی از شاخص‌های تفاوت‌زا و شباهت‌زا در خود و طرف مقابل»

آگاهی از این شاخص، به منظور ایجاد تعادل و هماهنگی در زندگی مشترک است و به ایجاد رابطه‌ای مستحکم و معنادار کمک می‌کند. شاخص‌های تفاوت‌زا و شباهت‌زا فرصتی برای رشد و تکامل است و بستر مناسبی برای ارتباط عمیق‌تر را فراهم می‌سازند. در این شاخص، اشتراک معنایی زن و مرد با همدیگر، نحوه نگرش به ماهیت جنس مخالف به‌گونه‌ای که هر دو جنس آفریده خدا هستند، بررسی همسویی اعتقادات و باورهای مذهبی در انتخاب همسر، به تفاهم رسیدن در نحوه توزیع پول و سرمایه زندگی، اشتراک نظر در نحوه توزیع قدرت در خانواده، توجه به حساسیت‌ها و شناخت باید و نبایدهای یکدیگر و رسیدن به نقطه اشتراک، همسویی در جهان‌بینی و معنای زندگی از مؤلفه‌های این محور است.

مشارکت‌کننده ۲: «نباید انتظار زیادی داشت. بالاخره اون منطقی فکر می‌کنه و من

احساسی فکر می‌کنم و باهم فرق داریم».

مشارکت‌کننده ۱۱: «اعتقادات خیلی مهمه که خدا رو شکر خیلی تو این قضیه با هم هم مسیر هستیم و باعث رشد همدیگه تا به الان شدیم».

مشارکت‌کننده ۱۶: «نمیشه گفت مطلقاً من یا همسرم. بلکه یه جورایی نسبی هست. ممکنه یه روزی قسط یا خریدی داریم و همسرم فراموش کرده، اینجا تصمیم‌گیری از اول و طبق حرفای من میشه اما چون فراموش شده بود یا ممکنه گاهی من فراموش کنم و حرف همسرم باشه. سعی می‌کنیم بپذیریم و با واقعیت کنار بیایم، نه اینکه در موردش زیاد بحث کنیم و خسته بشیم و به نتیجه نرسیم».

مشارکت‌کننده ۱۵ بیان می‌کند: «اخلاق و رفتار هم رو خوب شناختن و مراعات همدیگه رو کردن خیلی مهمه». مشارکت‌کننده ۸ نیز می‌گوید: «وقتی تفاوتی هست، همسرم میگه میدونم تو از فلان رفتار ناراحت میشی. خب قاعدتاً اون رفتار رو انجام نمیده یا بالعکس چشم‌پوشی می‌کنیم از یه سری مسائل».

مشارکت‌کننده ۱۴ اشاره می‌کند: «اینکه زندگی خوبی کنار همدیگه داریم، محبت اهل بیده. چون جفتمون محبت اهل بیت رو تو دلمون داریم. شاید یه سری مسائل پیش بیاد که به خاطر همین محبت چشم‌پوشی می‌کنیم و می‌گیم خدا راضی نیست امام زمان راضی نیست».

در شاخص‌های چالش‌برانگیز وجود تفاوت‌های زن و مرد با همدیگر مشارکت‌کنندگان به پذیرش و درک این تفاوت‌ها تأکید داشتند و قبل از انتخاب همسر لازم است نسبت به این تفاوت‌ها آگاهی داشت. این تفاوت‌ها شامل تفاوت‌های زبانی دختر و پسر، تفاوت‌های تراز اقتصادی دختر و پسر، تفاوت در آداب و رسوم، تفاوت در انگیزه‌های ازدواج دختر و پسر، تفاوت ادراک از خود در دختر و پسر، تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی بین خانواده‌های دختر و پسر، تفاوت عقاید سیاسی دختر و پسر و تحصیلات دختر و پسر یافت شد.

مشارکت‌کننده شماره ۲ در این زمینه بیان می‌کرد: «من الان خونم نزدیک مامانم ایناست. در طول سال خونه مامانم اینا میرم ولی خب همسر من نمی‌تونه در طول سال بره خونه خانوادش چون دورن. برای همین ما توافق کردیم تعطیلات طولانی مثلاً یه هفته‌ای رو اختصاص بدیم برای خانواده همسرم. همونطور که من دوست دارم برم خونه مامانم اینا، اونم دوست داره بره پیش خانوادش. پس باید شرایط رو فراهم کرد».

مشارکت‌کننده ۱۲: «چون اولش همین تهران زندگی می‌کردن، خودش اصلاً ترکی حرف نمی‌زنه مثلاً عیداً که میریم، تبریز همه ترکی حرف می‌زنن من خودم رو سرگرم می‌کنم. با اینکه می‌تونن فارسی حرف بزنن اما نمی‌زنن. سعی می‌کنم ناراحت نشم و میگم چند روزه که مهمونم برای همیشه اینجا نیستم. خودم وقایع می‌کنم و از کنارشون رد میشم».

مشارکت‌کننده ۱۴: «توی یه سری خانواده‌ها یه سری چیزا رسمه که تو خانواده‌های دیگه اصلاً اون رسم نیست. این تفاوت‌های فرهنگی اذیت می‌شدم ولی بیشتر همسرم مدیریت می‌کردن. دیدم که واقعا اونا یه شکلی و خانواده یه شکل دیگه. اونا نمی‌تونن ما رو تغییر بدن ما هم نمی‌تونیم اونا رو تغییر بدیم. اگه آدم در بند اینجور چیزا باشه مثلاً شب یلدا نگرفتن و درگیری ذهنیش باشه؛ باید از همون اول قید بکنه، اگر نه باید بتونه باهاش کنار بیاد و درگیری ذهنیش نباشه البته به طرف مقابل هم بستگی داره. مهمه که طرف مقابل قضیه رو جمع کنه. با حرف و صبوری از ده بار، دوبارش رو انجام بده. دو طرف باید باهمدیگه راه بیان».

مشارکت‌کننده ۱۵: «رابطه زن‌شویی یک رابطه دو نفره در دو دنیای متفاوت ولی با توجه اشتراکات باید سازگار باشیم و نباید سرزنش کرد. تفاوت‌ها رو نباید بزرگ کرد. اگر بزرگ کنین تبدیل به مشکل میشه و اختلال تو زندگی پیش میاد».

مشارکت‌کننده ۸: «در مورد مسائل سیاسی هم، اگه الان بخوام ازدواج کنم، انقدر شرایط جامعه بد هستش که شاید دیگه اولویت نباشه اما از نظر ولایت فقیه برام مهم بود که قبول داشته باشه».

◆ سومین معیار انتخاب همسر برای رسیدن به من مطلوب سهم گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج: «آگاهی از مسیرهای رشد و بلوغ شخصی در خود و طرف مقابل»

در این شاخص، سهم گذار با درک عمیق نقش خود در هستی، نسبت به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خویش آگاهی می‌شود. آگاهی از مسیرهای رشد و بلوغ شخصی به افراد کمک می‌کند تا با آمادگی بیشتری وارد زندگی مشترک شوند و تعهدات خود را با بینش و مسئولیت‌پذیری انجام دهند. در مضمون اصلی شاخص‌های رشد و بلوغ شناختی، مؤلفه‌های تمایز یافتگی فکری در بستر انعطاف، واقعیت‌سنجی به جای تکیه بر ذهنیات، انطباق فرهنگی از طریق شناخت فرهنگ‌ها و قدرت درک دنیای درون طرف مقابل بدست آمد.

مشارکت‌کننده ۵ درباره استقلال رأی بیان می‌کرد: «در عین حال که شما از مشاوران خوبی برخوردار، چقدر استقلال رأی داری؟ چقدر خودتون برای خودتون صاحب نظرید؟».

مشارکت‌کننده ۱۲ بیان می‌کند: «مثلا من شاید دوست داشته باشم برم پارک ولی همسر من نیاد. میبینم دلیلش چیه، طبق اون تصمیم می‌گیرم».

در همین راستا مشارکت‌کننده ۲ می‌گوید: «شوهرم شناخت کامل روی فرهنگ داشتن که پا پیش گذاشتن. چون وقتی فرهنگ‌ها خیلی فرق بکنه، ادم کمتر میره سمتش. خیلیم تفاوت فرهنگی نداریم. تو اون چیزایی هم که تفاوت داشتیم، اوایل من نمی‌دونستم و پدرشوهر و مادرشوهرم ناراحت میشدن ولی چشم‌پوشی کردن. خانواده ما هم متقابلن همین کار رو میکردن. ولی خب الان با فرهنگ‌های هم آشنا شدیم و دیگه اون اشتباهات رو انجام نمیدیم. بعضی جاها هم که آشنا نبودیم، از هم سوال می‌کردیم که اشتباهی نکنیم. میشه تفاوت‌ها رو با یکم چشم‌پوشی و با صحبت حلش کرد. وقتی طرف مقابل تو فرهنگش یه رفتاری نیست من جلوش انجام نمی‌دم چون فهمیدم که برای اونا توجیه شده نیست».

در مورد شاخص‌های رشد و بلوغ عاطفی درک لزوم مدیریت خشم خود و همسر، درک لزوم کنترل و مدیریت عواطف و جو منفی عاطفی، درک لزوم ایجاد اعتماد پایدار، درک لزوم ایجاد صمیمیت پایدار، توانمندی مراقبت و دلسوزی متقابل، توانمندی عطوفت‌ورزی و ابراز عواطف متقابل و توانمندی کمک کردن و همکاری در نقش‌های زوجی، توانمندی تشکر کردن و قدردان بودن، توانمندی صبور بودن و گذشت کردن و توانمندی پذیرفتن خطا و عذرخواهی کردن احصا شد.

مشارکت‌کننده ۱۱ درباره مدیریت اختلاف نظرات می‌گوید: «اگر اختلاف نظر کوچیکی هست، سعی کردیم بحث زیادی سرش نداشته باشیم و کوتاه بیایم». مشارکت‌کننده ۲: «هر کی که بیشتر ناراحت باشه، طرف مقابل میره از دلش در میاره و عذرخواهی می‌کنه. یوقتایی از لحاظ عاطفی یه سری مشکلات پیش میاد چون همسرم خیلی وقتا خونه نیست به خاطر کارش. اینو باید قبول کنم. ولی بیشترش میاد باهام صحبت می‌کنه».

مشارکت‌کننده ۹ در مورد اعتماد می‌گوید: «وقتی طرف مقابل چه مرد چه زن هر دو صادق باشن و چشم پاک این اعتماد خود به خود شکل می‌گیره و زندگی آدم برای بی اعتمادی و هر لحظه نگرانی صرف نمیشه. چون آدمی که شک کنه هم زندگی خودش هم طرف مقابل و هم افرادی که داخل اون زندگی هستن مثل بچه‌ها رو واقعا تلخ می‌کنه».

مشارکت‌کننده ۱۳: «من میدونم که باید یه زمینه‌ای رو فراهم بکنم که همسر مسائل شخصی و فردیش رو روال باشه، آرومه. خب همه تلاشم رو می‌کنم و ایشون هم در مقابلم همین کار رو میکنن و با توجه به شناخت من، ایشون هم همراهی می‌کنن».

مشارکت‌کننده ۱۲: «من کلا در تمام لحظه لحظه زندگیم کمک همسر هستم». مشارکت‌کننده ۱۲: «کوچک‌ترین کاری که همسرم میکنه مثلاً یه لیوان آب میاره من تشکر می‌کنم. عقیدم اینه من هر طور باهاش رفتار بکنم، اونم از من یاد می‌گیره و

بازخوردش به خودم برمی‌گردد که عینا همین طور هستش و ایشون هم برای تمامی کارایی که میکنم قدردان هستن و کوچک‌ترین کارم رو باززش میدونه».

مشارکت‌کننده ۶: «من مجرد که بودم این رو متوجه شده بودم که گذشت مهمترین مسئله برای زندگیه».

مشارکت‌کننده ۲: «باید بلد باشی عذرخواهی کنی نه اینکه هی مغرور باشی و عذرخواهی نکنی. در طول زندگی عذرخواهی خیلی مهمه و باید اشتباهات رو بپذیری». در سیر رشد و بلوغ انحصاری جنسی و عاطفی نیاز است به این درک رسید که ازدواج محدودیت‌هایی را به همراه خود دارد و نیاز است در ابعاد مختلف به همسر خود متعهد بود. مشارکت‌کننده ۱۰ می‌گوید: «مسئولم در قبال زندگی با همسرم و متعهد».

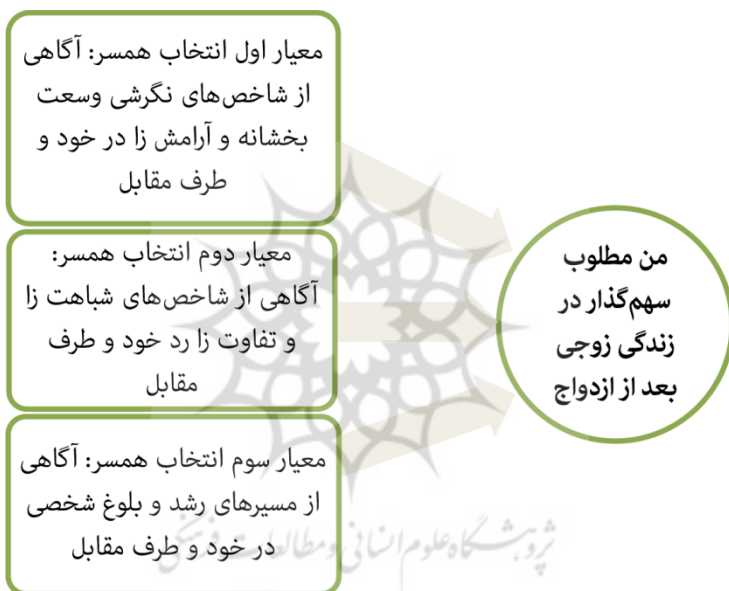
در مورد شاخص‌های رشد و بلوغ ارتباطی توانمندی ملازمت و همراهی با همسر، توانمندی ایجاد همسویی با یکدیگر، درک موقعیت‌ها و مدیریت فضای تعاملی، توانمندی تصمیم‌گیری مشترک، توانمندی حل تعارضات، توانمندی انتقاد سازنده از همسر، توانمندی توجه کردن و توانمندی مشورت گرفتن از مواردی است که باید در آمادگی برای ازدواج و انتخاب همسر به آن توجه کرد.

مشارکت‌کننده ۸: «ساده گرفتن تو هر زمینه‌ای، چیزای مادی حتی یه سری چیزای معنوی. یعنی خودم رو اذیت نکردم، استرس الکی به خودم ندادم».

مشارکت‌کننده ۳: «مطمئن باش خیلی از مسائل نمیگم حل میشه، همسو میشن. زن و مرد همسو میشن». مشارکت‌کننده ۸ نیز درباره عدم پافشاری بر روی انتظارات خود می‌گوید: «می‌خوام بگم که زن و شوهر روی هم اثر می‌ذارن و بعد از یه مدت شبیه هم میشن برای همین آدم نباید روی انتظاراتی که داره پافشاری خیلی صد در صدی بکنه».

مشارکت‌کننده ۵: «ماها هیچوقت فرد نیستیم که تصمیمات فردی بگیریم. اگر بنا به تصمیم فردی باشه، اون خانواده‌ست که تصمیم میگیره که یک تصمیم باید به صورت فردی گرفته بشه».

مشارکت‌کننده ۸: «ما هر وقت بحث می‌کنیم یا از هم ناراحت میشیم، ممکنه چند لحظه باهم صحبت نکنیم ولی این خیلی طولانی نمیشه، به چند ساعت هم نمیشه. چه من پیش قدم بشم چه همسرم». مشارکت‌کننده ۷ نیز با بیان اینکه نباید تک‌روی کرد می‌گوید: «من یه چیزی می‌گفتم و با دلیل توضیح می‌دادم. ایشون هم می‌دید که حرف منم منطقیه، قبول می‌کرد و بالعکس. این نبود که بگم فقط حرف حرف من». در ادامه الگوی شماتیک ارائه شده است.



شکل ۱. الگوی شماتیک معیارهای انتخاب همسر دختران جوان مبتنی بر سهم‌گذاری

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر معیارهای انتخاب همسر را در ابعاد متعددی بررسی کرده است. رسیدن به من مطلوب سهم‌گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج نیازمند آگاهی و آمادگی پیرامون «شاخص‌های نگرشی توسعه‌بخش و آرامش‌زا»، «شاخص‌های شباهت‌زا و تفاوت‌زا» و «مسیرهای رشد و بلوغ شخصی» در خود و طرف مقابل

است. اسمعیلی (۱۳۹۴) توجه به هدف آفرینش و ازدواج، رعایت حق و داشتن هدف مشترک در زوج‌ها را از عوامل درمانبخش در حل تعارضات زناشویی می‌داند. اگر هدف وجود داشته باشد اما اراده‌ای برای تغییر وجود نداشته باشد و اعمال انسان در راستای آن قرار نگیرد، ثمربخشی نخواهد داشت. سهم‌گذار در زندگی زوجی خود با شناخت صحیحی که از خود، دیگران، خالق و جهان دارد، دارای عواطف مناسب با اهداف آفرینش و عمل مناسب با عواطف و شناخت خدامحور است (فداکارداورانی، سیفی، و کاظمیان، ۱۳۹۹). مدار حرکتش در زندگی زوجی بر مدار احترام است. با هوشیاری نسبت به زمینه‌های چالش‌زا و ناظر دانستن خداوند بر آموزش، به تشخیص اصل و فرع لایه‌های زندگی زوجی می‌پردازد زیرا می‌داند در نهایت اثر عملش به خود او بازخواهد گشت. به همین جهت او خود را در زندگی زوجی مسئول می‌داند و با نگاه رشدی و با اولویت آرامش بخشی، با در نظر گرفتن «ما بودن» در زندگی زوجی، بهترین عمل را انتخاب می‌کند و مسئولیت انتخاب خود را برعهده می‌گیرد. رحمتی، فرحبخش، معتمدی و همکاران (۱۳۹۹) پیامدهای «مایه» در زندگی زوجی را کم شدن منیت در فضای ارتباطی و حفظ فردیت در هویت زوجی می‌دانند. ویلویی، یورگاسن، جیمز و همکاران^۱ (۲۰۲۱) درک مرکزیت زناشویی^۲ به عنوان یک باور منحصر به فرد نسبت به سایر نقش‌ها سبب کمتر شدن درگیری‌های مخاطره‌آمیز یا جنسی در روابط زناشویی زوج‌ها می‌گردد. حاتمی‌ورزنه، اسمعیلی، فرحبخش و همکاران (۱۳۹۵) در ازدواج‌های در حال فروپاشی، زوج‌ها در ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری، عدم خودخواهی و خودرایی و مقاومت دچار ضعف بوده‌اند.

پیرامون شاخص‌های شباهت‌زا و تفاوت‌زا، وجود زمینه‌های مشترک در اصول اساسی و پذیرش مسئولیت در قبال سهم خود در رابطه و در صورت وجود تفاوت‌ها تلاش برای برقراری توافقات لازم ضروری است. از طرفی، هیچ همسانی نمی‌تواند جایگزین کفویت

1. Willoughby, Yorgason, James & Kramer Holmes

2. marital centrality

دین و ایمان شود. این کفویت می‌تواند آثار نامطلوب ناهمسانی‌های دیگر را تعدیل نماید (هاشمی نژاد، فقیهی، حسینی و همکاران، ۱۳۹۳). خدادادی سنگده و پرهیزکاری (۱۴۰۲) کفویت مبتنی بر جهان بینی اسلامی و همتایی اعتقادی و نگرشی را مهم ترین ملاک برای ازدواج می‌دانند. در شاخص‌های شباهت‌زا، زوج‌ها به اشتراک معنایی در برخی مسائل اولویت دار در زندگی زوجی توجه می‌کنند اما برخی تفاوت‌های فردی نیز به علت ویژگی متغیر بودن انسان‌ها، وجود دارد. آنچه در معیارهای انتخاب همسر اهمیت دارد، توجه به تفاوت‌های فردی و درک اثر این جنبه‌ها بر زندگی زوجی است. به نوعی افراد انتخاب می‌کنند با کدام تفاوت می‌توانند کنار بیایند و آن را بپذیرند. موسوی و نوری (۱۳۹۹) از مصادیق احترام به همسر با توجه به منابع دینی و روانشناختی، توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی مرد و زن، توجه به برداشت‌های هر کدام از زوج‌ها از رفتار یکدیگر و توجه سلیقه‌های یکدیگر است. نباید انتظار داشت که همه چیز کاملاً برابر باشد، بلکه عدالت مهم‌تر از برابری مطلق است. درک و مدیریت این شباهت‌ها و تفاوت‌ها از طریق سهم‌گذاری آگاهانه آرامش‌دهنده و رشد‌دهنده است.

پیرامون «مسیرهای رشد و بلوغ شخصی»، می‌توان بیان کرد که زن و مرد در عین زوج بودن، در بافت متفاوتی رشد کرده‌اند و به واسطه ازدواج در کنار هم قرار گرفته‌اند. به همین جهت تلاش برای درک دنیای یکدیگر با رشد توانمندی‌های ضروری زندگی زوجی ممکن است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، با پرورش توانمندی‌های خود در این زمینه‌ها می‌توان فضای تعاملی را در شرایط مطلوبی قرار داد. در پژوهش دهدست (۱۴۰۱) ازدواج به مثابه حرکت به سمت یک هدف نهایی، دارای آداب و قواعد و مهارت‌های سالم مانند همکاری و همیاری، همدلی و درک متقابل، مدارا، گذشت، انگیزه، امید، شجاعت و تعهد است. بروسکی و تامبلینگ^۱ (۲۰۱۵) دریافتند، بیشترین موضوعات مورد بحث در زندگی زناشویی، ارتباط، حل تعارض و حل اختلافات است. دهدست و

قبادی (۱۳۹۹) یکی از عوامل گسست خانواده‌های ایرانی را عدم آگاهی و مهارت‌های پس از ازدواج می‌داند. بدین صورت که زوج‌ها توانمندی‌های لازم در همدلی و درک، تعاملات مثبت عاطفی، احترام گذاردن به یکدیگر و گذراندن وقت باهم را ندارند و دارای مشکلات ارتباطی هستند و از بیان نیازها و احساسات خود ناتوان‌اند. همچنین در مهارت کنترل خشم، حل مسئله و حل تعارض ضعف دارند و نمی‌توانند توافقات لازم را به عمل بیاورند. علاوه بر این باید توجه داشت که ازدواج محدودیت‌هایی را هم به همراه دارد و عدم تعهد باعث از بین رفتن نهاد خانواده خواهد شد.

این مطالعه، شاخص‌های نگرشی در مسیر انتخاب همسر را از منظر سهم‌گذاری به صورت تفصیلی بررسی کرده است و کمتر پژوهشی بر اساس مبانی اسلامی و با این وسعت به آن پرداخته است. با کسب این نوع نگاه، افراد نگرش‌شان به ازدواج خدایسندانه و آرامش‌زا تغییر خواهد کرد. علاوه بر پرداختن به شاخص‌های شباهت‌زا که یکی از عوامل اصلی اکثر پژوهش‌های معیارهای انتخاب همسر بوده است، به شاخص‌های تفاوت‌زا باهدف پذیرش و مدیریت آن به عنوان یکی از عوامل اصلی زمینه‌ساز رسیدن به من‌مطلوب سهم‌گذار نیز پرداخته است. همچنین، این به پژوهش سیرهای رشدی و بلوغ شخصی و توانمندی‌های لازم جهت دوام زندگی مشترک را نیز مدنظر قرار داده است. در نتیجه، عوامل شناسایی شده در این مطالعه می‌تواند بر مسیر انتخاب و شکل‌گیری زندگی زوجی پیش از ازدواج کمک کرده و زمینه را برای رسیدن به من‌مطلوب سهم‌گذار در زندگی زوجی بعد از ازدواج و روابط تکوین بخش فراهم سازد.

با توجه به اینکه هیچ پژوهشی خالی از محدودیت نیست، نمی‌توان برداشت‌های شخصی و ارزش‌های پژوهشگر را در تبیین نتایج پژوهش نادیده گرفت. همچنین نمونه‌ها متعلق به شهر تهران بوده و مستلزم احتیاط در تعمیم‌دهی نتایج است.

این پژوهش، مجموعه‌ای از یافته‌ها را ارائه داده است و زمینه پژوهش‌های تازه در این حوزه را فراهم کرده است. همچنین راهنمای مناسبی برای آموزش جوانان در آستانه

ازدواج محسوب می‌شود و می‌توان بر اساس آن، برنامه راهنمایی پیش از ازدواج و زوجی تدوین نمود. با توجه به اهمیت بومی سازی الگوهای مشاوره پیش از ازدواج، این پژوهش می‌تواند برای دست‌اندرکاران این حوزه مفید واقع شود. همچنین ضروری است به عوامل موفقیت و شکست ازدواج در سنین پایین نیز پرداخته شود. از کلیه مشارکت‌کنندگانی که در این پژوهش ما را یاری کردند سپاسگزاریم.

منابع

- اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۳). ارائه الگوی خانواده‌درمانی سهم‌گذاری در حل تعارضات خانواده. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۲۴(۵)، ۵۴-۲۴.
- اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۴). بررسی عوامل خود درمان بخش تعارضات زوج‌ها در مبانی روابط چهارگانه انسانی (ارتباط با خدا، خود، هستی و دیگران) از نگاه جواد آملی. فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۳۱(۱۱)، ۸۹-۱۰۶. <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i86.13548>
- اسمعیلی، معصومه؛ شاداب‌مهر؛ فهیمه؛ ودهدست، کوثر (۱۴۰۲). تدوین و بررسی برخی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه سبک زندگی سهم‌گذارانه. پژوهش‌های مشاوره، ۲۲(۸۶)، ۵۶-۸۷. <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i86.13548>
- امینی، ابراهیم (۱۳۹۰). ازدواج، موانع و راه‌حل‌ها (ج ۱). بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی).
- ایمان‌زاده، علی؛ محمدزاده، صدیقه؛ و علیپور، سربه (۱۳۹۶). تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام (مطالعه‌ای پدیدارشناختی). زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، ۹(۴)، ۵۴۱-۵۶۰. <https://doi.org/10.22059/jwica.2017.233986.877>
- بیجاری، هانیه؛ سپهری‌شاملو، زهره؛ مهرام، بهروز؛ و صادقی، منصوره (۱۳۹۸). ملاک‌های انتخاب همسر از دید افراد راضی از ازدواج (در دوره عقد): یک مطالعه کیفی. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۶(۲)، ۴۱-۷۶. <https://doi.org/10.22067/jss.v16i1.78748>
- پاک‌سرشت، الهه (۱۴۰۱). تدوین برنامه راهنمایی پیش از ازدواج مبتنی بر رویکرد سهم‌گذاری و تجربه زیسته دختران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده رفاه، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- جعفریان، مجید؛ و لبافی، سمیه (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی انتخاب همسر در شهر اصفهان: یک مطالعه کیفی. زن و مطالعات خانواده، ۴۲(۱۱)، ۷۱-۸۹.
- حاتمی‌ورزنه، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ و برجعلی، احمد (۱۳۹۵). بررسی مقایسه‌ای ازدواج‌های پایدار رضایتمند و ازدواج‌های در حال جدایی (مطالعه کیفی). فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۳۵(۱۲)، ۷-۳۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1395.11.35.1.2>

خدادادی سنگده، جواد؛ و پرهیزکاری، هلیا (۱۴۰۲). تدوین الگوی مفهومی ازدواج موفق مبتنی بر سیره حضرت امیرالمؤمنین (ع) و حضرت صدیقه طاهره (س). پژوهش های مشاوره، ۸۷ (۲۲)، ۳۱-۵.

دهدست، کوثر (۱۴۰۱). استعاره های جوانان ایرانی از ازدواج مبتنی بر نظریه استعاره شناختی. پژوهش های مشاوره، ۸۸ (۲۱)، ۳۸-۶.
<http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v22i87.13983>

دهدست، کوثر؛ و قبادی، شهاب (۱۳۹۹). تبیین شاخص های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۱ (۴۳)، ۱۲۱-۱۵۸.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.47218.2230>

رحمتی، بیتا؛ فرحبخش، کیومرث؛ معتمدی، عبدالله؛ و برجعلی، احمد (۱۳۹۹). الگوی تحول «مایی» در زوج های موفق بر مبنای نظریه زمینه ای. پژوهش های مشاوره، ۷۵ (۱۹)، ۲۵۲-۲۸۹.

<http://dx.doi.org/10.29252/jcr.19.75.252>

رضوی، اقدس سادات؛ فاتحی زاده، مریم سادات؛ اعتمادی، عذرا؛ و عابدی، محمدرضا (۱۳۸۹). تعیین رابطه «طرحواره های ناسازگار اولیه» با ابعاد «نگرش به نحوه انتخاب همسر» در دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۲ (۱)، ۴۵-۷۰.

<https://doi.org/10.22054/qccpc.2010.5873>

رضوی، سیدحسین؛ جزایری، رضوان السادات؛ احمدی، سیداحمد؛ و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۸). مقایسه تأثیر برنامه آماده سازی پیش از ازدواج بر اساس مدل اولسون و بسته مشاوره پیش از ازدواج بومی بر مشکلات دوران عقد زوج ها. خانواده پژوهی، ۵۸ (۱۵)، ۱۸۱-۱۹۵.

شکریگی، عالیہ؛ احمدی، امیرعلی؛ و ابراهیمی منش، مریم (۱۳۹۵). بازنمایی معنایی ماهیت زندگی زناشویی در ازدواج های ناموفق (رویکردی بر ساخت گرایانه). زن و جامعه، ۲۶ (۷)، ۶۹-۸۸.

<https://dori.net/dor/20.1001.1.20088566.1395.7.26.4.0>

صادقی فسایی، سهیلا؛ و بنی جمالی، سیدمحسن (۱۳۹۵). جوانان، مقدمات ازدواج و راهبردهای ایشان در روبه روشن شدن با ازدواج. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۳۴ (۱۵)، ۱۹۵-۲۱۹.

عباسی ولدی، محسن (۱۳۹۹). از من بودن تا ما شدن: مهارت های انتخاب همسر: نکند خشت اول را کج بگذاری (ج اول). قم: آیین فطرت.

فداکار داورانی، فهیمه؛ سیفی، مریم؛ و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مرور زندگی با منظر سهم گذاری بر بهبود عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زنان باردار در بحران زلزله کرمانشاه. روان شناسی تحلیلی شناختی، ۳۹ (۱۰)، ۳۹-۵۰.

موسوی، صالحه سادات؛ و نوری، نجیب الله (۱۳۹۹). آثار احترام بین زوج ها در زندگی مشترک. مطالعات روان شناسی با رویکرد اسلامی، ۱۲ (۱)، ۳۱-۴۵.

میراحمدی، سیده لیلا؛ السادات فاتحی زاده، مریم؛ اعتمادی، عذرا؛ جزایری، رضوان سادات؛ و پسندیده، عباس (۱۳۹۶). انتخاب همسر مبتنی بر آموزه های اسلامی بر اساس تحلیل کیفی احادیث اصول کافی. ۱۶ (۶۲)، ۵۲-۷۹.

- Allendorf, Keera. (2017). Conflict and compatibility? Developmental idealism and gendered differences in marital choice. *Journal of Marriage and Family*, 79(2), 337-355.
<https://doi.org/10.1111/jomf.12339>
- Amuasi, Gideon K; & Alhassan, Eliasu. (2022). Spousal Selection for Marriage by Tertiary Students in Wa Municipality of Ghana: Internal Factors in Perspective. *European Journal of Development Studies*, 2(2), 31-41.
<https://doi.org/10.24018/ejdevelop.2022.2.2.74>
- Bereczkei, Tamas; & Csanaky, Andras. (1996). Mate choice, marital success, and reproduction in a modern society. *Ethology and Sociobiology*, 17(1), 17-35.
[https://doi.org/10.1016/0162-3095\(95\)00104-2](https://doi.org/10.1016/0162-3095(95)00104-2)
- Borowski, Shelby C; & Tambling, Rachel B. (2015). Applying the Health Belief Model to young individuals' beliefs and preferences about premarital counseling. *The Family Journal*, 23(4), 417-426.
<https://doi.org/10.1177/1066480715602221>
- Buss, David M; & Schmitt, David P. (2019). Mate preferences and their behavioral manifestations. *Annual Review of Psychology*, 70, 77-110.
<https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010418-103408>
- Conroy-Beam, Daniel; & Buss, David M. (2019). Why is age so important in human mating? Evolved age preferences and their influences on multiple mating behaviors. *Evolutionary Behavioral Sciences*, 13(2), 127.
<https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/ebs0000127>
- Epstein, Elizabeth; & Guttman, Ruth. (1984). Mate selection in man: Evidence, theory, and outcome. *Social Biology*, 31(3-4), 243-278.
<https://doi.org/10.1080/19485565.1984.9988579>
- Fieder, Martin; & Huber, Susanne. (2023). Increasing pressure on US men for income in order to find a spouse. *Biodemography and Social Biology*, 1-19.
<https://doi.org/10.1080/19485565.2023.2220950>
- Guvensoy, Ipek; & Erdem, Gizem. (2023). The effects of ideal standards and parental approval on mate choice among emerging adults. *Journal of Social and Personal Relationships*, 40(1), 174-200.
<https://doi.org/10.1177/02654075221114029>
- Perusse, Daniel. (1994). Mate choice in modern societies: Testing evolutionary hypotheses with behavioral data. *Human Nature*, 5, 255-278.
<https://doi.org/10.1007/BF02692154>
- Prakash, Ravi; & Singh, Abhishek. (2014). Who marries whom? Changing mate selection preferences in urban India and emerging implications on social institutions. *Population Research and Policy Review*, 33, 205-227.
<https://doi.org/10.1007/s11113-013-9294-5>
<https://doi.org/10.1177/0146167219855048>
- Willoughby, Brian J; Yorgason, Jeremy; James, Spencer; & Kramer Holmes, Erin. (2021). What does marriage mean to us? Marital centrality among newlywed couples. *Journal of Family Issues*, 42(7), 1631-1654.
<https://doi.org/10.1177/0192513X20949905>

